

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

تعداد آیات و محدوده ی آیه الكرسي

بحث ما در جهاد ابتدایی رسید به مناسبتی به آیه ی «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» و اینکه آیا بین این آیه شریفه و آیات جهاد، تنافی وجود دارد یا تنافی وجود ندارد؟ که بحثش را گذرانیم.

چون بحث آیه الكرسي مورد ابتلا است و سؤال هم می شود گفتیم چند جمله ای هم در این رابطه بحث کنیم که آیا آیه الكرسي همین آیه اول است که تا «هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» ختم شود. یا اینکه لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قد تبیین الرشد من الغی هم یعنی آن دو آیه ی بعد هم جزء آیه الكرسي است.

عرض کردیم ثمره اش در این ظاهر می شود که اولاً در اعمال و نمازهای مستحبی گاهی اوقات وارد شده که ده بار آیه الكرسي خوانده شود، حالا این ده بار آیه الكرسي را تا کجا باید خواند؟

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» تا «هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» بخوانیم تمام شد، یا اینکه «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» قد تبیین الرشد من الغی» تا «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» باید خوانده شود؟ یک ضرب المثلی هم هست که می گویند تا «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» به نظر می رسد ریشه اش همین بحث است که آیه الكرسي چه مقدار است.

این مورد اختلاف بین فقها، مفسرین و بزرگان است. حالا بعضی از انظار را بخوانم؛

شهادت ثانی در شرح بر ارشاد می فرماید «الظاهر أن المراد بآية الكرسي الآية التي تذكر فيها الكرسي» ظاهراً همین یک آیه است «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» که به قول شهادت ثانی لفظ کرسی در آن وجود دارد.

مرحوم محقق اردبیلی در مجمع الفائدة و البرهان همین نظر را دارد، آن وقت ایشان می گوید که هو المقرّر عند القراء و المفسرين.

بعضی از شارحین اصول کافی مثل ملا صالح مازندرانی که یکی از حواشی خوب بر اصول کافی حاشیه ایشان است می گوید الظاهر که آیه الكرسي همین یک آیه است.

یک سؤال و جواب فقهی از مرحوم سیّد شفتی چاپ شده؛ ایشان مرد بسیار مُلایی بوده، سؤال و جوابی که از ایشان چاپ شده آنجا ایشان همین نظر را داده.

در کتاب روض الجنان که شرح ارشاد است همین کلام شهید ثانی را عرض کردیم «و الظاهر أنّ المراد بآية الكرسي الآية التي يذكر فيها الكرسي اولها الله لا إله إلا هو - الى - العلي العظيم» بعد می‌فرماید «نعم ذكر في صلاة يوم المباهلة أنّه يقرأ إلى خالدون» فقط در صلاة يوم مباهله وارد شده که تا «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» خانواده شود، اما «و لا دلالة فيه على التعدى إلى غيرها»، ما نمی‌توانیم از صلاة مباهله به غیر تعدی کنیم. مثلاً همین نماز وحشتی که خوانده می‌شود یا موارد دیگری که آیه الكرسي در آن نماز ذکر شده در نمازهای مستحبی، بعد می‌فرماید «و إن كان فعله جائزاً» بعد می‌فرماید «و في الأخبار اختلاف كثير في تعيين ما يضاف إلى الآية التي ذكرناها بحيث يطلق على الجميع آية الكرسي» می‌فرماید در اخبار اختلاف زیادی وجود دارد که آنچه به این آیه اضافه می‌شود که به آن آیه الكرسي گفته می‌شود چیست؟ این هم یک بیان.

باز از مرحوم شیخ طوسی نقل شده و به مرحوم شیخ طوسی نسبت داده‌اند که ایشان گفته آیه الكرسي تا «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» است.

آنچه که باز ما دنبال کردیم شیخ در مبسوط و نهایت ندارد که آیه الكرسي تا «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ» است، ظاهراً در مصباح المتهجد که کتاب دعایی مرحوم شیخ است آمده، «في عمل ذي الحجة مشيراً إلى يوم الرابع و العشرين» روز 24 مباهله «يوم الرابع و العشرين منه في هذا اليوم تصدق أمير المؤمنين(ص) بخاتمه و هو رَكْعُ الصَّلَاةِ فِيهِ رُويَ عَنِ الصَّادِقِ(ع) أَنَّهُ قَالَ مَنْ صَلَّى فِي هَذَا الْيَوْمِ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ الزَّوَالِ بِنَصْفِ سَاعَةٍ شُكراً لِلَّهِ عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيْهِ وَ خَصَّهُ بِهِ يَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ أُمُّ الْكِتَابِ مَرَّةً وَاجِدَةً وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ آيَةَ الْكُرْسِيِّ إِلَى قَوْلِهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» منتهی اینجا می‌فرماید إلى قوله «هُمُ فِيهَا خَالِدُونَ».

باز سید بن طاووس در اقبال نظیر همین کلام شیخ در مصباح المتهجد را دارد.

مرحوم علامه هم وقتی به نماز غدیر می‌رسد ایشان هم می‌فرماید نماز غدیر دو رکعت است قبل از زوال، به نصف ساعت یقرأ فی کل منهما الحمد مرّة و کلاً من القدر و التوحيد و آية الكرسي، که عرض کردم روایات را هم ببینید و گاهی اوقات به بعضی از نمازهای مستحبی ما اشتغال داشته باشیم خوب است، ما درست است که می‌گوئیم بحث علمی و مذاکره‌ی علمی، اینها ثوابش واقعاً خیلی زیاد است اصلاً در آن تردیدی نیست، ولی به این معنا نیست که ما اینها را کنار بگذاریم و از اینها غافل باشیم، بزرگان ما نسبت به این نمازهای مستحبی اعمال ایّام، ساعات، اینها خیلی مقید بودند.

از جمله کسانی که خیلی مقید بوده امام(رضوان الله تعالی علیه) است، نه اینکه بگویم امام تمام این نمازها را می‌خواندند، نه، ولی طوری بوده که در برنامه‌ی زندگی‌شان گاهی اوقات بعضی از این نمازها بوده، نافله‌ی شب را که مقید بودند.

یادم هست یک وقتی داماد امام؛ مرحوم آقای اشراقی(قدس سره) که از دوستان نزدیک و هم بحثی‌های مرحوم پدر ما و مرحوم حاج آقا مصطفی(رضوان الله تعالی علیهم) بودند، من خودم شنیدم اوایل انقلاب، آن موقع امام هشتاد سالشان بود، ایشان گفتند 70 سال است که نماز شب امام ترک نشده است. این خیلی حرف عجیبی است! حالا ما اصلاً این عدد برآیمان قابل تصور نیست که 70 سال یک انسان این همه استقامت بر عبادت و بندگی داشته باشد، دیدید که تا آخر عمر حتّی در مریضی و بیمارستان این چنین است.

یا این خاطراتی که از امام هست را بخوانیم، این مردی که در اوج علمی بوده، در اوج سیاسی و همه‌ی این امور بوده اما در مسئله‌ی تعبد و عبادت چطور بوده؟! من باز می‌خواندم یک مدتی بوده که مرحوم حاج احمد آقا در قم بوده، بعد از چند سال،

بعد از اینکه ازدواج کرده و به نجف رفته بود، مدت زیادی امام او را ندیده، نیمه‌ی شب به نجف و منزل امام رسیده بودند، خانواده‌ی ایشان نقل می‌کند که چند دقیقه امام نشستند، به اندازه‌ی چهار پنج دقیقه احوالی پرسیدند و رفتند سراغ نماز شب‌شان و نگفتند امشب این از سفر آمده، مدتی است ندیدیم حالا بنشینیم و این عبادت را ترک کنیم، توجیه هم داشت، بگوئیم احوالپرسی از اینها هم خودش یک نوع عبادتی است. برنامه‌اش را قطع نمی‌کرد.

اشکال ما این است که برنامه‌ی عبادتی نداریم (من خودم را عرض می‌کنم، شما آقایان الحمدلله دارید)؛ یک برنامه‌ای که انسان با برنامه پیش برود، نمی‌خواهم بگویم این عبادت یک امر متقوم به برنامه است، نه! انسان هر وقت توفیق پیدا کند باید عبادت پیدا کند ولو دائماً، از چیزهایی است که به یک معنا نمی‌شود گفت برنامه پذیر است، عبادت حال می‌خواهد، توجه و آمادگی و حضور قلب می‌خواهد، گاهی اوقات انسان نیمه شب بیدار می‌شود، خوابش نمی‌آید، اما حال اینکه نماز بخواند را ندارد، نه مریض است، نه اضطراب و نگرانی دارد، هیچی نیست! اما هر کاری می‌کند نمی‌تواند بلند شود دو رکعت نماز شب بخواند ولی در عین حال انسان باید برنامه هم داشته باشد.

من گاهی اوقات عرض کردم چه خوب است انسان بیاید این مصباح المتهدج شیخ را یا مفتاح الفلاح شیخ بهائی را کنار سجاده‌اش بگذارد گاهی اوقات بعضی از این برنامه‌هایی که برای تمام آنات از ائمه (علیهم السلام) دستور رسیده، یعنی اگر یک کسی واقعاً بتواند به نحوی اینها را در زندگی‌اش داشته باشد خوب است

حالا یکی از چیزهایی که خیلی سفارش شده این است که در نوافل، این سه سوره‌ی قدر، توحید و آیه الکرسی با هم خوانده شود، در ذهن می‌آید که در روایات خیلی نسبت به این تأکید شده.

مرحوم علامه در نماز غدیر فرموده آیه الکرسی را تا «[هُم فِيهَا خَالِدُونَ](#)»، در تذکرة باز در مورد نماز 24 ذی الحجه همان کلام شیخ را دارد، در نهایت هم همینطور. کفعمی در البلد الامین در صلاة يوم غدیر، این مطلب را دارد.

ما وقتی کلمات را می‌بینیم فقط تنها دلیلی که برای اضافه‌ی این دو تا آیه تا «[هُم فِيهَا خَالِدُونَ](#)» هست مربوط به نماز غدیر است، یا يوم مباهله است. از این فراتر نمی‌رود. یعنی ما یک روایتی که دلالت بر این داشته باشد که آیه الکرسی سه آیه است نداریم. در نماز مباهله و نماز غدیر آمده که آیه الکرسی با دو آیه‌ی بعد بخوانیم و اتفاقاً وقتی روایت را مراجعه می‌کنیم در روایات اصلاً تفکیک شده بین آیه الکرسی و این دو آیه.

استدلال استاد

حالا استدلال ما را دقت کنید؛ در روایات، بین آیه الکرسی و این دو آیه تفکیک شده، خود تفکیک دلیل بر این است که این دو آیه جزء آیه الکرسی نیست و إلا اگر این دو آیه جزء آیه الکرسی بود معنا ندارد برای تفکیک.

مثلاً در کافی جلد 2 صفحه 621 باب فضل القرآن؛ از وجود مبارک پیامبر (ص) این روایت را نقل می‌کند «من قرأ أربع آيات من أول البقرة»، هر کسی که چهار آیه‌ی بقره را بخواند، یک: آیه الکرسی را بخواند، دو: «و آیتین بعدها»، یعنی دو آیه‌ی بعد از آیه الکرسی. پس معنایش تفکیک است. ضمیر در «بعدها» به آیه الکرسی می‌خورد یعنی آیه الکرسی آن آیه است و دو آیه هم بعدش. «و ثلاث آيات من آخرها». روایت، روایت بسیار خوبی است و اثر خوبی هم برایش ذکر کرده، سه تا اثر برایش ذکر کرده «من قرأ أربع آيات» چهار آیه اول بقره، آیه الکرسی و دو آیه‌ی بعد از آن، سه تا آیه از آخر بقره «لم ير في نفسه و ماله شيئاً يكرهه» در نفس‌اش چیزی که مورد کراهت او باشد نیست، یعنی غمی ندارد، غصه، اضطراب و ناراحتی‌ای ندارد.

حالا امروز می‌خواهند گاهی اوقات بعضی از افراد افسرده را معالجه کنند، بروید در همین بعضی از روانشناس‌های بی‌خبر از

دین ببینید چطور دارند معالجه می‌کنند؟ من خبر دارم متأسفانه جوان 30 ساله یک مقدار به افسردگی مبتلا شده، مراجعه می‌کند به یک روانشناس، صریحاً به او پیشنهاد می‌کند که یک مقدار باید شراب بخوری، واقعاً انسان خیلی نگران است که چرا باید اینطوری باشد.

من این نکته را عرض کنم؛ اکثر آنچه اینها به عنوان روانشناسی به مردم می‌دهند حرفهای باطلی است، ما هستیم و این بهترین. می‌گوید «لم یر فی نفسه و ماله شیئاً یکرهه»، یعنی آرام می‌شود. یعنی اگر یک وقتی شما ناراحت بودید، اضطراب داشتید نگران بودید، بلافاصله همین آیات بقره را این مقداری که در این روایت خوانده بخوانید، ندارد که در شب یا روز بخوانید، هر وقتی شما این کار را کردید این اثر را دارد، «لم یر فی نفسه و ماله شیئاً یکرهه»، هیچ آرامشی بالاتر از این نیست که انسان با قرآن ارتباط داشته باشد، البته یک تأملی هم باید بکند.

شما وقتی می‌گوئید «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» می‌گوئید یک کسی تو را اداره می‌کند که او را چُرت و خواب نمی‌گیرد و همیشه مراقب توست «لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ» یعنی آدم صاحب خودش را برای خود معرفی می‌کند که یک چنین مالکی ما داریم، چه چیز از این بالاتر؟ غیر از اینکه خود اینها نور است. ما معتقدیم قرآن نور است، قرآن شفاست، قرآن رحمت است، شما پیش یک روانشناس که می‌روید فوَقش با ده بیست جلسه می‌گوید تو توانایی داری، این را قرآن می‌گوید که تو یک چنین صاحبی داری، یک چنین خالق و مالکی داری که یک آن از تو غافل نیست! آدم اطمینان پیدا می‌کند و می‌گوید چه چیز از این بهتر می‌خواهم.

حالا ببینید این هم نکته‌ی خوبی است؛ می‌گوئیم چرا فرموده سوره قدر و آیه الكرسي و توحید؟ چرا نگفته سوره جمعه، صف و آیه الكرسي؟ می‌خواهد در این روایات به ما بفهماند که بین این سه تا (توحید، قدر و آیه الكرسي) یک ارتباط عمیقی وجود دارد، این ارتباط را باید در تفسیر پیدا کنیم، باید اینقدر بحث کنیم که چه ارتباطی است بین قدر و توحید و آیه الكرسي، و الا اینطور نبوده که همینطور جزافی بگویند دو تا از آن بخوان، سه تا از این بخوان، ما را نمی‌خواهند مشغول کنند! لذا اینجا می‌فرماید این آیه الكرسي را بخوان و دو تا آیه از بعد آن هم بخوان، سه آیه هم از آخر سوره بقره را بخوان، رموزی در اینها هست.

می‌فرماید لم یر فی نفسه شیئاً یکرهه، و لا یقره الشیطان، شیطان دیگر نمی‌تواند به حریم این وارد شود. شما ببینید چقدر مشکلات ما در اثر وساوس شیطانی است، وسوسه که یک امری است که هر انسانی متأسفانه گرفتار اوست، این وسوسه از نفس می‌آید، نفس موجب وسوسه‌ی خودش می‌شود و این تحت تأثیر شیطان که قرار می‌گیرد این چنین است، وقتی غفلت از خدا شد شیطان بر نفس حاکم است، این قانون مسلّم مسلّم است، این را داشته باشیم.

غفلت از خدا همان، حکومت شیطان بر نفس هم همان. همان اندازه شیطان می‌تواند حکومت پیدا کند و این آدم را بیچاره کند. می‌فرماید شیطان هم دیگر نزدیک او نمی‌شود، این دو.

و لا ینسی القرآن، اگر قرآن را حفظ باشد دیگر موجب نسیانش نمی‌شود، گاهی اوقات بعضی سؤال می‌کنند که قرآن می‌خوانیم و فراموش می‌کنیم، این روایت می‌گوید اگر این کار را انجام بدهید موجب این می‌شود که قرآن دیگر از ذهن‌تان نرود. ما خواستیم بحث علمی کنیم بگوئیم در این روایت بین آیه الكرسي و آیتین تفکیک کرده و التفکیک دلیل بر اینکه آیه الكرسي همان آیه‌ی اول است.

پس به نظر ما آیه الكرسي همان آیه‌ی اول است و مؤیدش هم همان تأویلی است که شهید ثانی دارد.

مرحوم شیخ محمد تقی آملی (رضوان الله علیه) در جلد ششم مصباح الهدی صفحه 502 همین را اختیار می‌کند و این استدلالی

که ما الآن عرض کردیم را بیان نکرده، می‌فرماید دلیلش این است که فقط در آن آیه لفظ کرسی آمده، چون در خود آن آیه، لفظ کرسی آمده و بعد هم می‌گوئیم آیه الكرسی، نمی‌گوئیم آیات الكرسی، و آیه مفرد است.

پس این هم ظهور در این دارد که همین یک آیه است.

یک دلیل ما تفکیک است.

دوم این بیانی که ایشان فرمودند.

سوم آنچه که در روایات آمده در فلان نماز آیه الكرسی را تا [هُم فِيهَا خَالِدُونَ](#) بخوانید آنها مختصّ به موارد خاصی است، اینها همه قرینه می‌شود بر اینکه آیه الكرسی همین مقدار است و این بحث تمام.

بحث جهاد ابتدایی مان تقریباً تمام شد. دو سال و خُرده‌ای که بحث آیات جهاد را داشتیم تقریباً تمام شد، ان شاء الله در ذهنم آمده بحث آیات حج را یا یکی از ابواب فقه را بحث آیاتش را در روزهای چهارشنبه شروع کنیم.

آیات امر به معروف را شروع می‌کنیم.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين